

درباره ازدواج

¹ اما درباره آنچه به من نوشته بودید، مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند.² لکن به سبب زنا، هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد.³ و شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را.⁴ زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش،⁵ از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید؛ و باز با هم پیوندید مبادا شیطان شما را به سبب ناپرهیزی شما در تجربه اندازد.⁶ لکن این را می گویم به طریق اجازه نه به طریق حکم، اما می خواهم که همه مردم مثل خودم باشند. لکن هرکس نعمتی خاص از خدا دارد، یکی چنین و دیگری چنان.⁸ لکن به مجرّدين و بیوه زنان می گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند.⁹ لکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.

طلاق

¹⁰ اما منکوحان را حکم می کنم و نه من بلکه خداوند؛ که زن از شوهر خود جدا نشود؛¹¹ و اگر جدا شود، مجرّد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد.¹² و دیگران را من می گویم نه خداوند؛ که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد.¹³ و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود.¹⁴ زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدّس می شود و زن بی ایمان از برادر مقدّس می گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می بودند، لکن الحال مقدّسند.¹⁵ اما اگر بی ایمان جدایی ننماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است.¹⁶ زیرا که تو چه دانی، ای زن، که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی، ای مرد، که زن خود را نجات خواهی داد؟

دعوت خدا

¹⁷ مگر اینکه به هرطور که خداوند به هرکس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هرکس را خوانده باشد، بدینطور رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساهای

الزواج والحياة الزوجية

¹ وأما من جهة الأمور التي كتبتم لي عنها، فحسّن للرجل أن لا يمسّ امرأة،² ولكن لسبب الزنا ليكن لكل واحد امرأته وليكن لكل واحد زوجةً رجلاً. ³ ليوف الرجل المرأة حقها الواجب وكذلك المرأة أيضاً الرجل. ⁴ ليس للمرأة تسلط على جسدها بل للرجل، وكذلك الرجل أيضاً، ليس له تسلط على جسده بل للمرأة. ⁵ لا تسلب أحدكم الآخر إلا أن يكون على موافقة إلى حين، لكي تتفرغوا للصوم والصلاة ثم تجتمعوا أيضاً معاً لكي لا يجربكم الشيطان لسبب عدم تراهيتكم. ⁶ ولكن أقول هذا على سبيل الإذن لا على سبيل الأمر. ⁷ لأني أريد أن يكون جميع الناس كما أنا، لكن كل واحد له موهبته الخاصة من الله، الواحد هكذا والآخر هكذا. ⁸ ولكن أقول لغير المتزوجين وللأرامل: إنّه حسن لهم إذا لبثوا كما أنا. ⁹ ولكن إن لم يضبطوا أنفسهم فليتزوّجوا، لأن التزوُّج أصلح من التحرق.

الطلاق

¹⁰ وأما المتزوجون فأوصيهم، لا أنا بل الرب: أن لا تفارق المرأة رجلاً، ¹¹ وإن فارقته فليلبث غير متزوجة أو ليصالح رجلاً، ولا يترك الرجل امرأته. ¹² وأما الباقون فأقول لهم أنا، لا الرب: إن كان أخ لك امرأة غير مؤمنة، وهي ترغب أن تسكن معه، فلا يتركها، ¹³ والمرأة التي لها رجل غير مؤمن، وهو يرغب أن يسكن معها، فلا تتركه. ¹⁴ لأن الرجل غير المؤمن مقدّس في المرأة والمرأة غير المؤمنة مقدّسة في الرجل، ¹⁵ ولكن إن فارق غير المؤمن، فليفارق، ليس الأخ أو الأخت مستعبد في مثل هذه الأحوال، ولكن الله قد دعانا في السلام. ¹⁶ لأنه كيف تعلّم، أيها الرجل، المرأة، هل تخلص الرجل؟ أو كيف تعلّم، أيها الرجل، هل تخلص المرأة؟

الحفاظ على دعوة الله

¹⁷ غير أنّه كما قسم الله لكل واحد، كما دعا الرب كل واحد، هكذا ليسلك. ¹⁸ دعي أخذ وهو مخنون، فلا يصير أغلف، دعي أخذ في العزلة، فلا يخبث. ¹⁹ ليس الجتان شيئاً وليس العزلة شيئاً بل حفظ وصايا الله. ²⁰ الدعوة التي دعي فيها كل واحد فليلبث فيها. ²¹ دعي وأنت عبد فلا يهّمك،

بَلْ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَصِيرَ حُرّاً فَاسْتَعْمِلْهَا
بِالْحَرِيِّ.²² لَأَنَّ مَنْ دُعِيَ فِي الرَّبِّ وَهُوَ عَبْدٌ فَهُوَ عَبْدُ
الرَّبِّ، كَذَلِكَ أَيْضاً الْخُرُّ الْمَدْعُوُّ هُوَ عَبْدٌ لِلْمَسِيحِ.²³ قَدْ
اسْتُرِئْتُمْ بِتَمَنٍ فَلَا تَصْبِرُوا عَيْدًا لِلنَّاسِ.²⁴ مَا دُعِيَ كُلُّ
وَاحِدٍ فِيهِ، أَهْبَأُ الْإِخْوَةَ، قَلْبَيْتُ فِي ذَلِكَ مَعَ اللَّهِ.

الزواج أم حياة البتل

²⁵ وَأَمَّا الْعَذَارَى فَلَيْسَ عِنْدِي أَمْرٌ مِنَ الرَّبِّ فِيهِنَّ
وَلَكِنِّي أُعْطِي رَأْيَا كَمَنْ رَحِمَهُ الرَّبُّ أَنْ يَكُونَ
أَمِينًا.²⁶ قَاطِنٌ أَنَّ هَذَا حَسَنٌ لِسَبَبِ الصَّبْرِ الْخَاصِرِ، أَنَّهُ
حَسَنٌ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ هَكَذَا.²⁷ أَنْتَ مُزْنِطٌ بِامْرَأَةٍ، فَلَا
تَطْلُبُ الْإِنْفِصَالَ، أَنْتَ مُنْقَصِلٌ عَنِ امْرَأَةٍ، فَلَا تَطْلُبُ
امْرَأَةً.²⁸ لَكِنَّكَ وَإِنْ تَزَوَّجْتَ لَمْ تُخْطِئْ وَإِنْ تَزَوَّجْتَ
الْعَذْرَاءُ لَمْ تُخْطِئْ، وَلَكِنْ مِثْلَ هَؤُلَاءِ يَكُونُ لَهُمْ صَبْرٌ
فِي الْجَسَدِ، وَأَمَّا أَنَا فَلَا أُسْفِقُ عَلَيْكُمْ.²⁹ قَافُولٌ هَذَا،
أَهْبَأُ الْإِخْوَةَ: الْوَقْتُ مُنْذُ الْآنَ مُقَصَّرٌ لِكَيْ يَكُونَ الَّذِينَ
لَهُمْ نِسَاءُ كَأَنْ لَيْسَ لَهُمْ،³⁰ وَالَّذِينَ يَتَّكُونَ كَأَنَّهُمْ لَا
يَتَّكُونَ، وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَفْرَحُونَ، وَالَّذِينَ
يَسْتُرُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَسْتُرُونَ،³¹ وَالَّذِينَ يَسْتَعْمِلُونَ هَذَا
الْعَالَمَ كَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَعْمِلُونَهُ، لَأَنَّ هَيْئَةَ هَذَا الْعَالَمِ
تَزُولُ.³² فَارِيدُ أَنْ تَكُونُوا بِلَا هَمٍّ، غَيْرُ الْمُتَزَوِّجِ يَهْتَمُّ فِي
مَا لِلرَّبِّ كَيْفَ يُرْضِي الرَّبَّ،³³ وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجُ فَيهْتَمُّ فِي
مَا لِلْعَالَمِ كَيْفَ يُرْضِي امْرَأَتَهُ.³⁴ إِنْ بَيْنَ الزَّوْجَةِ وَالْعَذْرَاءِ
فَرْقًا، غَيْرُ الْمُتَزَوِّجَةِ تَهْتَمُّ فِي مَا لِلرَّبِّ لِتَكُونَ مُقَدَّسَةً
جَسَدًا وَزَوْجًا، وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجَةُ فَتَهْتَمُّ فِي مَا لِلْعَالَمِ كَيْفَ
تُرْضِي رَجُلَهَا.

³⁵ هَذَا أَقُولُهُ لِحَبْرِكُمْ، لَيْسَ لَكُمْ أَلْفَيٌّ عَلَيْكُمْ وَهَقًّا بَلْ
لِأَجْلِ الْبِتَاقَةِ وَالْمُتَابَرَةِ لِلرَّبِّ مِنْ دُونِ ارْتِبَاكِ.³⁶ وَلَكِنْ
إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَطُنُّ أَنَّهُ يَعْمَلُ بِدُونِ لِبَاقَةٍ بَحْوَ عَذْرَائِهِ إِذَا
تَجَاوَزَ الْوَقْتَ، وَهَكَذَا لَزِمَ أَنْ يَصِيرَ، فَلْيَفْعَلْ مَا يُرِيدُ،
إِنَّهُ لَا يَخْطِئُ، فَلْيَتَزَوَّجَا.³⁷ وَأَمَّا مَنْ أَقَامَ رَاسِخًا فِي قَلْبِهِ
وَلَيْسَ لَهُ اضْطِرَازٌ بَلْ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى إِرَادَتِهِ وَقَدْ عَزَمَ
عَلَى هَذَا فِي قَلْبِهِ أَنْ يَخْطَأَ عَذْرَاءً، فَحَسَنًا يَفْعَلْ.³⁸ إِذَا
مَنْ زَوَّجَ، فَحَسَنًا يَفْعَلْ، وَمَنْ لَا يُزَوِّجُ، يَفْعَلْ
أَحْسَنَ.³⁹ الْمَرْأَةُ مُزْنِطَةٌ بِالْبَّاسُوسِ مَا دَامَ رَجُلُهَا حَيًّا،
وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ رَجُلُهَا فَهِيَ حُرَّةٌ لِكَيْ تَزَوِّجَ بِمَنْ تُرِيدُ،
فِي الرَّبِّ فَقَطْ.⁴⁰ وَلَكِنَّهَا أَكْثَرُ غِيْطَةً إِنْ لَيْسَتْ هَكَذَا،
يَحْسَبُ رَأْيِي، وَأَطُنُّ أَنِّي أَنَا أَيْضًا عِنْدِي زَوْجٌ لِلَّهِ.

امر می‌کنم.¹⁸ اگر کسی در مختونی خوانده شود،
نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود،
مختون نشود.¹⁹ ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ،
بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.²⁰ هرکس در هر حالتی
که خوانده شده باشد، در همان بماند.²¹ اگر در غلامی
خوانده شدی تو را باکی نباشد، بلکه اگر هم می‌توانی
آزاد شوی، آن را اولیتر استعمال کن.²² زیرا غلامی که
در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و
همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح
است.²³ به قیمتی خریده شدیدی، غلام انسان
نشوید.²⁴ ای برادران، هرکس در هر حالتی که خوانده
شده باشد، در آن نزد خدا بماند.

درباره افراد مجرد و بیوه زنها

²⁵ اما دربارهٔ باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم. لکن چون
از خداوند رحمت یافتم که امین باشم، رأی
می‌دهم.²⁶ پس گمان می‌کنم که بجهت تنگی این زمان،
انسان را نیکو آن است که همچنان بماند.²⁷ اگر با زن
بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی
دیگر زن مخواه.²⁸ لکن هرگاه نکاح کردی، گناه
نورزیدی و هرگاه باکره منکوحه گردید، گناه نکرد. ولی
چنین در جسم زحمت خواهند کشید، لیکن من بر شما
شفقت دارم.²⁹ اما، ای برادران، این را می‌گویم وقت
تنگ است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بیزن
باشند³⁰ و گریبانان چون ناگربانان و خوشحالان مثل
ناخوشحالان و خریداران چون غیرمالکان باشند،³¹ و
استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان
نباشند، زیرا که صورت این جهان درگذر است.³² اما
خواهش این دارم که شما بیاندیشید. شخص
مجرد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی
خداوند را بجوید؛³³ و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد
که چگونه زن خود را خوش بسازد.³⁴ در میان زن
منکوحه و باکره نیز تفاوتی است، زیرا باکره در امور
خداوند می‌اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدس
باشد؛ اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر
خود را خوش سازد.

³⁵ اما این را برای نفع شما می‌گویم نه آنکه دامی بر
شما بنهم بلکه نظر به شایستگی و ملازمت خداوند،
بی تشویش.³⁶ لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکره

خود ناشایستگی می‌کند، اگر به حدّ بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد بکند؛ گناهی نیست؛ بگذار که نکاح کنند.³⁷ اما کسی که در دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل خود جازم است که باکره خود را نگاه دارد، نیکو می‌کند.³⁸ پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می‌کند و کسی که به نکاح ندهد، نیکوتر می‌نماید.

بیوه‌ها

³⁹ زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هرکه بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط.⁴⁰ اما بحسب رأی من خوشحالت‌تر است، اگر چنین بماند و من نیز گمان می‌برم که روح خدا را دارم.